

حقوق شهروندی حاکم بر جنگ در قرآن کریم

صالح نوری (دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور ارومیه، ۰۹۱۴۳۸۹۴۲۲۸،
(noory.saleh@yahoo.com)

حامد رحمانی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه، مدرس دانشگاه آزاد مرکز ارومیه، ۰۹۱۹۶۴۷۵۹۸۲،
rahmanihamed@ut.ac.ir

چکیده

حقوق شهروندی منعکس‌کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه‌ای است که در آن هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه همراه با صلح، امنیت و رفاه برخوردار گردد. رعب و وحشت و قتل و خسارت حاصل از جنگ و تجاوز و تهدید و غارت در قالب هجوم مسلحانه و ترور، مخل نظم عمومی و عامل تلخکامی و دلسردی بشر از زندگی اجتماعی و گروهی بوده و مانع تکامل معنوی و مادی انسان می‌گردد. رهنمودهای راهگشای اسلام در زمینه زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران و پرهیز از خشونت و قتل و غارت، بیانگر تأکیدی است که این دین بر صلح و سلم و رعایت عدالت و حقوق دیگران در زندگی دارد و آنجا که پای ارزش‌های الهی به میان می‌آید و یا جامعه‌ای اسلامی مورد هجوم ظالمانه دشمنان قرار می‌گیرد، دفاع از دین و جان و مال خود را امری مقدس و جهادی ضروری می‌شمرد و برای رزمندگان حاضر در نبرد، حقوق خاصی را در نظر می‌گیرد. این مقاله بر آن است که با بررسی مفهومی حقوق شهروندی حاکم بر جنگ، به بررسی رهنمودهای قرآنی در این زمینه بپردازد تا از طریق آن، به اندیشه والای قرآنی در مورد لزوم برقراری صلح و امنیت و پرهیز از جنگ و ستیز و نیز به حقوق شهروندان مسلمان در زمانی که به ناچار و از روی ضرورت وارد نبرد شدند، دست یابد.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، جنگ، اسلام، قرآن

اهمیت مباحث حقوق انسانی به‌ویژه حقوق شهروندی در جامعه اسلامی و نظامی که عهده‌دار تربیت افراد براساس رهنمودهای مکتبی و ارزشهای اخلاقی قرآن و اهل بیت (ع) است بر هیچ کس پوشیده نیست. مسلمان باید به‌گونه‌ای در چارچوب اصول و سنن فرهنگ دینی خودش زندگی کند که با شهامت و افتخار، بتواند امضای دین را پای همه رفتارهایش بگذارد و زندگی‌اش برچسب اسلام داشته باشد و الگوی اسلامی را بر زندگی خویش در خانه و جامعه، سایه‌افکن سازد. شهروندان یک جامعه باید خود را مقید به رعایت حقوق دیگران و آیین شهروندی بدانند و حقوق شهروندی خود را نسبت به یکدیگر رعایت کنند. حقوق شهروندی را مجموع حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌دانند که افراد در اجتماعات معین باید از آن برخوردار باشند اما باید توجه داشت که حقوق شهروندی در انواع مختلف خود نیازمند حمایت قانونی است؛ بر این اساس، یکی از ابعاد حقوق شهروندی حقوق قضایی است. در سایه این حقوق، شهروندان می‌توانند از تعدی، تجاوز و ظلم در امان باشند و زمینه‌ی اعاده حقوق از دست رفته خود و مجازات متجاوز را فراهم نمایند. داشتن امنیت حقوقی و قضایی، پیش شرط و مقدمه تمام جلوه‌های حقوق شهروندی فرض می‌شود. اسلام برای هر فرد و شهروندی حق حیات، اشتغال، مالکیت آزادی و حفظ حریم خصوصی را محترم شناخته است، ما مدعی هستیم احکام اسلام در بستر عدالت و اخلاق تشریح شده، به این معنا که خداوند هیچ حکم و قانونی را بر خلاف عدالت اجتماعی تشریح نمی‌کند. شهروند مسلمان بر طبق آموزه‌های دینی، خود باعث ایجاد و بروز مشکلات و تضییع حقوق دیگران نمی‌شود، و به حقوق شهروندی پایبند است. عصر رنسانس، عصر جدانگاری علم و دین و تفکیک قلمروهای آن دو است. یکی از مسائلی که در این عصر مورد توجه قرار گرفته مسأله حقوق انسان و علم حقوق و نسبت آن با دین و گزاره‌های دینی بود. عده‌ای از حقوقدانان می‌گفتند: قلمرو دین محدود به مسایل آن جهانی و آخرت انسان‌ها بوده و نسبت به مسایل دنیوی و مشکلات و نابسامانی‌های آن ساکت است. در مقابل، گروه دیگری از حقوقدانان، اسلام را دارای نظام حقوقی دانستند، نظامی که با آزادی انسان سازگار است و ارزش آن را دارد که خداوند به بیان آن بپردازد. این گروه معتقدند که دین، کتاب‌های آسمانی و پیامبران، نخستین نظام‌ها و سیستم‌های حقوقی را در جامعه بشری وضع کرده‌اند و قرآن به عنوان یقینی‌ترین منبع شناخت اسلام در آیات مختلف بر این امر تصریح کرده است. آداب برخورد با دشمنان و اسیران و رعایت حقوق مجاهدین در جنگ در بسیاری از آیات قرآن به چه صورت اشاره شده است؟ و قرآن کریم برای رعایت این موارد چه سفارش‌هایی کرده است؟

مقالاتی با عناوین و موضوعات زمینه‌های حقوق شهروندی در قرآن، حقوق شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و احادیث و روایات، حقوق شهروندی از نگاه قرآن، حقوق شهروندی پیشرفته از منظر قرآن، کار شده است و در آنها به حقوق شهروندی اسلامی و وجود آن در قرآن اشاره‌هایی شده است. اما در هیچ یک از آنها مانند پژوهش حاضر به حقوق شهروندی حاکم بر جنگ در قرآن کریم پرداخته نشده است. این مقاله بر آن است تا ضمن ارائه مفهوم حق و حقوق شهروندی و معنای جنگ، حقوق شهروندی حاکم بر جنگ را در لابه‌لای آیات قرآن بکاود و به برخی از آنها جهت اثبات اهمیت حقوق شهروندی از جمله حقوق شهروندی جنگ اشاره نماید.

۱. مفهوم حق و حقوق شهروندی

حق، واژه‌ای عربی است و معادل آن در زبان فارسی هستی پایدار و ثبوت است، یعنی هر چه از ثبات و پایداری برخوردار باشد. (دهخدا، ۱۳۴۹، ۸۰۲۸). کلمه حق و مشتقات آن در قرآن کاربرد فراوان دارد (الحق) ۱۹۴ بار، (حق) ۳۳ مرتبه، (حقاً) ۱۷ مرتبه و (حقه) سه بار در قرآن به کار رفته است. این واژه که به صورت مصدر، اسم مصدر و صفت در آیات قرآن به کار رفته است، در معانی بسیاری به کار رفته است که برخی از آنها عبارتند از: قرآن (زخرف/۲۹)، اسلام (اسراء / ۸۱)، عدل (اعراف / ۸۱)، توحید (زخرف / ۸۶)، صدق (یونس / ۴)، قرض (بقره / ۲۸۲)، دلیل (حج / ۴) و ... برخی از مفاهیم به کار رفته از حق در قرآن به شرح زیر است:

«و فی أموالهم حقّ للسائل و المحروم»؛ و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم است. (ذاریات، ۱۹)

«و الذین فی اموالهم حقّ معلوم. للسائل والمحروم»؛ و آنها که در اموالشان حق معلومی است؛ برای تقاضا کننده و محروم. (معارف، ۲۵ و ۲۴)

«فإن كان الذی علیه الحقّ سفیهاً أو ضعيفاً»؛ و اگر کسی که حق بر ذمه اوست سفیه یا ضعیف است. (بقره، ۲۸۲)

«فلیملل الذی علیه الحقّ»؛ و آن کسی که حق بر عهده اوست باید املا کند. (بقره، ۲۸۲)

«فأت ذا القربى حقّه و المسکین و ابن السبیل»؛ پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن. (روم، ۳۸)

در کل واژه حق با مشتقاتش بیش از ۲۸۷ بار در قرآن تکرار شده است. (سیحانی، بی تا، ص ۶۰) واژه حق در قاموس لغت به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت؛ (طریحی، ۱۳۶۸، ص ۵۴۵) و نیز به معنای وجود مطلق و غیرمقیدی که به هیچ قیدی تقید نشده باشد یعنی ذات اقدس باری تعالی آمده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

علامه بحرالعلوم می نویسد: حق، قدرتی است اعتباری و قراردادی که به موجب آن یک انسان بر مالی یا شخصی یا هر دو مسلط می گردد؛ مانند عین مستأجره، که مستأجر نسبت به یکی از اموال مخصوص موجد سلطنت دارد (آل بحرالعلوم، ۱۳۸۸ ق، ص ۱۳).

در اصطلاح حقوقی، حق، امتیازی است که قواعد حقوقی برای تنظیم روابط اشخاص به سود پاره‌ای از آنان در برابر دیگران ایجاد می کند (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ص ۲۴). نویسنده کتاب (حقوق اساسی) به صورت تفصیلی و روشن تر حق را تعریف می کند: «افرادی که در درون جامعه زندگی می کنند برای تأمین نیازمندی‌های خود حرکت می کنند و عمل می نمایند، در نتیجه با یکدیگر ارتباط برقرار می نمایند، حرکت و عمل و رابطه آنها نیاز به مرزبندی و تحدید حدود دارد. نتیجه نبودن حد و مرز، تعدی و تجاوز افراد به جان و به دسترنج یکدیگر است. جوامع بشری در طول هزاران سال به تجربه دریافته اند که برای جلوگیری از هرج و مرج و تعدی برای حرکت و عمل فرد در داخل جامعه، حدودی تعیین کنند که در چهارچوب آن حدود، فرد فاعل مختار باشد و اگر از آن حدود تجاوز کرد قوه نماینده جامعه او را گوشمالی دهد. این حدود همان است که به آن حقوق می گویند و مفرد آن (حق) است.» (عالی‌خانی، ۱۳۷۵، ص ۱۰ - ۱۱)

شهروند معادل «Citizen» است. ریشه آن واژه لاتینی «Civitas» می باشد. در فارسی، شهروند به تبعه، همشهری، هم-وطن، شارمند، شهرتاش و ... ترجمه شده است. (رضایی پور، ۱۳۸۹، ص ۱۰) شهروند در فرهنگ لغت دهخدا/ این گونه تعریف شده است: «اهل یک شهر یا یک کشور» و همچنین آمده است که پسوند «وند» در واژه شهروند در واقع «بند» بوده است یعنی شخصی که به شهری بند و متصل است. ولی به مرور زمان تبدیل به «وند» شده است. و «ی» موجود در شهروندی یای نسبت بوده است؛ یعنی هر چیز مربوط به شهروند (پروین، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۳۸۷، ش ۷۲).

حقوق شهروندی حقوق ناشی از قانون اساسی هر کشوری است که بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی به آنها اعطا شده است و مورد حمایت قانون اساسی قرار گرفته است. (آفنداک، ۵۱، ص ۱۳۸۵). در این تعریف، حقوق شهروندی شامل افراد مقیم که اقامه دریافت نموده اند نیز می شود. در تعریف حقوق شهروندی مؤلفه دیگری یعنی مسئولیت و تکالیف شهروند وجود دارد که جزو تعریف حقوق شهروندی است. تکلیف در لغت از ریشه کلف به معنای امر کردن به چیزی است که انجام آن دشوار باشد (طریحی، ۱۰۸۵، ص ۱۱۵) و در فقه عبارت است از خطاب شارع به انجام دادن یا ترک کاری یا تخییر بین آن دو و در اصطلاح شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه می شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ص ۶۱۰). حقوق شهروندی در نزد شهروندان واقعی، ثابت و محفوظ است و یکی از ویژگی‌هایی است که شهروندی با دارا بودن آن شکل می گیرد. (جزوه حقوق شهروندی، لامعی، ۱۳۹۳)

۲. حقوق شهروندی در قرآن کریم

مهم‌ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که «تبیان کلّ شی» است و تجدد را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان آورده که سیره نبوی(ص) و دیگر معصومان(ع)، نیز مطابق با درک درست مفاهیم آن کتاب عظیم است. نخستین حق هر شهروند و هر انسانی ایجاد زمینه‌های رشد اوست. پس از آن باید محیط اجتماع فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنابراین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است، چراکه قسط و عدل مطلوب هر انسان است، و در جای جای تعالیم اسلامی به آن امر شده است، حتی اگر به ضرر شخصی باشد. (ابن تراب، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸)

از دیگر حقوق شهروندان تأمین امنیت ایشان در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصیتی است، در آیات متعدد قرآن کریم از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسان‌های دیگر نیز محترم شمرده است. در چنین محیط امن و آرامی است که انسان می‌تواند به رشد و کمال خود بیندیشد. (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ص ۷)

توجه به منزلت و کرامت همه انسان‌ها یکی دیگر از مهمترین تعالیم دینی است، همانگونه که خداوند در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات اشاره دارد، آنچه موجب برتری کسی بر دیگری می‌گردد، تنها تقوا است، یعنی چگونگی عمل و رفتار است که موجب کسب فضیلتی افزون بر دیگری می‌شود، نه مظاهر دیگر آفرینش از قبیل رنگ پوست، جنسیت، نژاد و... بنابراین همه انسان‌ها از حقوق مساوی برخوردار هستند. (داعی نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱)

از دیگر حقوق شهروندان در یک حکومت اسلامی، زندگی در محیطی سرشار از صلح و صفاست. به همین دلیل در آیاتی مانند آیه ۱ سوره مبارکه انفال و آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء و آیاتی دیگر به دوستی بین افراد اجتماع سفارش شده است، تا جایی که خداوند در آیه ۱۰ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ» در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران را سازش دهید» بنابراین نه تنها مؤمنان برادر یکدیگر شمرده شده‌اند، بلکه ایجاد صلح و آشتی هم از وظایف همه شهروندان است. از دیگر عوامل ایجاد محیط سالم و امن در اجتماع، امانتداری است؛ چنانچه خداوند در آیه ۵۷ سوره مبارکه نساء به همه فرمان می‌دهد که امانتدار باشند و امانت‌ها را به صاحبان آن برسانند. البته امانتداری جنبه‌های مختلفی دارد که همه مورد توجه هستند. امانتداری در اموال، آبرو، سخنان و... حتی در مورد اهل کتاب «مَنْ أَوْفَىٰ بَعْدَهُ وَ اتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» خطاب آیه شریف عام است و وفای به عهد در مورد همگان را شامل می‌شود. (ابن تراب، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹)

۳. جنگ

جنگ واژه‌ای مربوط به دوران جاهلیت پیش از اسلام است که مردم آن را در گفت‌وگوهای روزانه خود به کار می‌برده‌اند و بعضی از روزهای خویش را با آن نامگذاری می‌کرده‌اند؛ مانند: جنگ داحس و غبراء یا جنگ فِجَار. این واژه را نیز در شعرهای زیبای خود به کار می‌بردند. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۵۵)

معنای لغوی واژه جنگ در کتب لغت عبارت است از: صحاح جوهری: «تَحَارَبُوا، احْتَرَبُوا وَ حَارَبُوا یعنی جنگیدند». لسان العرب: «حرب ضد سلم و مؤنث است».

جنگ یکی از پدیده‌هایی است که جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی پیرامون آن به اظهار نظر پرداخته و جنبه‌های گوناگون آن را از دیدگاه‌های مختلف مورد مطالعه قرار داده‌اند، اگرچه این عطف توجه بسان سایر پدیده‌ها و مسائل اجتماعی نبوده است و جامعه‌شناسان به این پدیده نسبت به سایر جوانب زندگی اجتماعی کمتر توجه کرده‌اند. گروهی از محققان و صاحب‌نظران، جنگ را جزء طبیعت آدمی دانسته و سرچشمه ستیزه‌جویی انسان را در سرشت او جستجو می‌کنند، گروهی دیگر بر عکس، جنگ و ستیزه را جزء طبع آدمی ندانسته و معتقدند که بروز این پدیده، علت اجتماعی دارد و زندگی اجتماعی است که انسانها را وادار به جنگ می‌نماید. (ر.م. مک آیور، ۱۳۴۹، ص ۴۴۲).

ابن خلدون از جمله کسانی است که جنگ را جزء طبیعت آدمی دانسته و می‌نویسد: «باید دانست که انواع جنگها و زد و خوردها از نخستین روزگاری که خداوند مردم را آفریده است پیوسته در میان آنان روی می‌داده است و اصل آن از کین‌توزی و انتقام گرفتن یکی از دیگری سرچشمه می‌گیرد و آن وقت وابستگان و خداوندان عصبیت هریک از دو دسته پیکارکننده به هواخواهی و تعصب وی بر می‌خیزند. پس هنگامی که بدین سبب دو گروه به نبرد با یکدیگر برانگیخته شوند و در برابر هم بایستند، یکی از آن دو به قصد انتقامجویی برمی‌خیزد و دیگری آماده دفاع می‌شود و در نتیجه جنگ روی می‌دهد. (ابن خلدون، ۱۳۶۲، ص ۵۱۹-۵۱۸).

در فرهنگ اسلامی، جنگ مفهومی متفاوت دارد و با «جهاد» منطبق است. جهاد یعنی «ایثار جان و مال در راه اعتلای پایگاه اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی با تحمل مشکلات در برابر طوفان حوادث». پس عملیات خصمانه‌ای که امروز تحت عنوان جنگ در دنیا متداول شده است در فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد. آنچه در اسلام مورد توجه است و مشروعیت دارد، جنگ مقدس یا جهاد است که دارای اهداف و معنی خاص خود است و با ماهیت جنگهایی که از توسعه طلبی و هوای نفس و کشورگشایی نشأت می‌گیرد، کاملاً متفاوت است.

۴. حقوق شهروندی حاکم بر جنگ

۱.۴. فلسفه و هدف جنگ

اهداف اصلی جنگ در اسلام، از اهداف عالیه اسلام جدا نمی‌باشد و یکی از موضوعاتی که در قرآن کریم در رابطه با جهاد، مکرراً روی آن تأکید شده است، مسأله هدف جهاد است و تنها همین هدف است که جهاد اسلامی را از جنگ‌های دیگری که در طول تاریخ به وقوع پیوسته و هم‌چنان نیز در حال وقوع است به طور کلی جدا می‌سازد. آن هدف، «فی سبیل الله» بودن جهاد است که در قرآن، ده بار در کنار جهاد و هم‌چنین در کنار قتال ذکر گردیده است که هدف عالی و خدایی بودن جهاد در اسلام را مشخص می‌نماید و بر اساس همین موضوع، قرآن کریم جنگ‌آوران را در دو صف متمایز که بر پایه هدف از هم تمیز داده شده‌اند قرار می‌دهد و می‌فرماید: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت» (نساء، ۷۶) پس باید گفت جنگ و جهاد در اسلام، اقدامی پاکبازانه و ایثارگرانه است که با گرایش به خدا، به دنبال نشر توحید، خداپرستی، حق‌جویی، عدالت‌گستری، کفرزدایی و ظلم‌ستیزی است و بر خلاف کسانی که هدف از آن را کشورگشایی و استیلا بر ممالک و سرزمین‌های ضعیف می‌دانند، نمی‌توان شورش و هدف‌های پست دنیوی را منطبق با مفهوم جهاد در اسلام دانست.

از جمله آیاتی که بر این امر دلالت دارد، آیه ۱۹۳ سوره بقره است که می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» و با آنها بجنگید تا فتنه (بت‌پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، تنها از آن خدا شود.

فتنه به معنای شرک، کفر، آزمایش و شکنجه آمده است. بنابراین، هدف از جنگ و جهاد در اسلام، برچیده شدن بساط شرک و کفر است و تا رفع فتنه و سلطه کفار و ایجاد فضای سالم برای دعوت به حق تداوم می‌یابد. بر این اساس اگر مشرکان دست از فتنه و قتال برداشتند، دیگر با آنها دشمنی و جنگ نخواهد شد. زیرا برخورد نظامی تنها با ستمکاران و متجاوزان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۰۶)

در آیه دیگری، جنگ و جهاد در راه دین مایه «خیر» معرفی شده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كَرِهٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره، ۲۱۶)؛ جهاد بر شما مقرر شد، در حالی که برای شما ناخوشایند است و چه بسا چیزی را ناخوش دارید. در حالی که خیر شما در آن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰)

۲.۴. انواع جنگ

۱.۲.۴. جنگ ابتدایی

جنگ یا جهاد ابتدایی به منظور دعوت کفار و مشرکین به دین اسلام انجام می‌شود. عمده‌ترین مشخصه جهاد ابتدایی حضور معصوم و دعوت به اسلام قبل از جهاد و جنگ می‌باشد و در این جهاد، هدف هدایت یا براندازی نظام‌های کفر و شرک است. در یکی از کتب فقهی آمده است: «این جهاد ابتدا از طرف مسلمین به خاطر دعوت به اسلام شروع می‌شود و بدین خاطر، جهاد ابتدایی نامیده شده است.» (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، جلد ۲، ص ۶) هرگاه دعوت به اسلام «با حکمت و برهان و موعظه نیکو و جدل با بهترین شیوه» (مضمون آیه ۱۲۵ سوره نحل) کارگر نیفتد، اذن جهاد صادر می‌شود تا فتنه (بت پرستی و سلب آزادی مردم) برچیده شود و زمینه برای انتخاب راه صحیح توسط مردم فراهم گردد: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» و با آنها بجنگید تا فتنه (بت پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، تنها از آن خدا شود. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید. زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست. (بقره، ۱۹۳)

۲.۲.۴. جنگ تدافعی

جنگ تدافعی، عملیات نظامی کشور اسلامی در مقابل تهاجم و تجاوز مسلحانه کشورهای غیر اسلامی است. این قاعده که امروزه دفاع مشروع نیز نامیده می‌شود، در حقوق بین الملل نیز به رسمیت شناخته شده است.

در اسلام، هدف از جنگ تدافعی، دفع حمله و سرکوب پیمان شکنان و تجاوزکاران و اخراج آنان از سرزمین اسلامی و آزادسازی مناطق تحت تصرف ایشان و دفاع از جان و مال مسلمانان و عقیده و مرام اسلامی است. انجام این نوع جهاد که در زمره واجبات عینی است، بر تک تک مسلمانان لازم است. قرآن کریم در آیات متعددی بر لزوم جنگ تدافعی و دفاع از دین خدا و حفظ جان و مال مسلمانان و رفع ظلم و ستم، تأکید شده است؛ از جمله: «أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا..» به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است. (حج، ۳۹) و نیز: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ..» و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید. (بقره، ۱۹۰)

۳.۲.۴. جنگ آزادی بخش

جنگ آزادی بخش در اسلام جنبه دیگری از جنگ تدافعی است؛ با این تفاوت که در آن، از مظلوم دفاع و استعمار (اعم از استعمار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...) طرد می‌شود. به عبارت دیگر، معصوم (ع) فرمان جهاد نداده تا جهاد ابتدایی فرض شود و خود آن جامعه نیز مورد تهاجم واقع نشده تا دفاع مشروع قلمداد شود؛ بلکه پرداختن به جنگ و مبارزه به دلیل رها کردن گروه دیگری از مسلمانان یا مستضعفان است که در چنگال ظلم و استبداد گرفتار شده‌اند. نمونه بارز این نوع جهاد، آیه ۷۵ سوره نساء است که می‌فرماید: «و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنك وليا و اجعل لنا من لدنك نصيراً» (نساء، ۷۵)؛ چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلس ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما!

از دقت در این آیه مشخص می‌شود جهاد اسلامی برای بدست آوردن مال و مقام و یا منابع طبیعی و مواد خام کشورهای دیگر نیست، برای تحصیل بازار مصرف، و یا تحمیل عقیده و سیاست نمی‌باشد، بلکه تنها برای نشر اصول فضیلت و ایمان و دفاع از ستم دیدگان و زنان و مردان بال و پرشکسته و کودکان محروم و ستم دیده است و به این ترتیب جهاد دو هدف جامع

دارد که در آیه فوق به آن اشاره شده؛ یکی «هدف الهی» و دیگری «هدف انسانی» و این دو در حقیقت از یکدیگر جدا نیستند و به یک واقعیت باز می‌گردند (نوری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸ و ۱۳۹). علاوه بر این، از نظر اسلام محیطی قابل زیست است که بتوان در آن آزادانه به عقیده صحیح خود عمل نمود، اما محیطی که خفقان آن را فرا گرفته و حتی انسان آزاد نیست بگوید مسلمانم، قابل زیست نمی‌باشد، و افراد با ایمان آرزو می‌کنند که از چنین محیطی خارج شوند، زیرا چنین محیطی مرکز فعالیت ستمگران است (مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۱۰ و ۱۱).

۳.۴. حقوق شهروندی افراد در جنگ

جنگ جای کشتن و کشته شدن و شکست یا پیروزی است. در جنگ به تنها چیزی که فکر می‌شود این است که چگونه باید بر دشمن پیروز شد و او را از پای در آورد. در آنجا که سخن از قتل است دیگر جایی برای خودداری از ستم نیست و بالطبع رعایت عدالت در چنین جایی معنایی نخواهد داشت. ولی این نگاه به جنگ از کسانی است که به جنگ با دید الهی نمی‌نگرند و از جنگ اهدافی پلید دارند. دین اسلام که جنگ و جهاد را تنها با هدف الهی مجاز می‌داند، حتی در سخت‌ترین و تنگناترین زمان نبرد هم به دنبال دستیابی به آرمان‌های بلند خویش است و حقوقی را برای مجاهدان در نبرد، اسیران، زنان و کودکان و حتی دشمنانی که با آنها به نبرد برخاسته‌اند، در نظر گرفته است که موارد زیر، از جمله آنها است.

۱.۳.۴. رعایت حقوق مجاهدان

مجاهدان در راه خدا نزد خدا جایگاهی رفیع دارند و تکریم آنان بر مسلمانان لازم است و این تکریم به جهت ارزش جهاد است که ذروه الإسلام (دستی، ۱۳۹۲، خطبه ۱۱۰) (قله اسلام) نامیده شده و مجاهدان نیز در ردیف اولیای الهی دانسته شده‌اند که حضرت امیرمؤمنان (ع) در وصف آنان گفتند: جهاد دری از درهای بهشت است که خدا آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. (همان، خطبه ۲۷)

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً» همانا تعداد ماه‌ها نزد خداوند، در کتاب (آفرینش) خدا و از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، دوازده ماه است، که چهار ماه از آن (جنگ) حرام است، این آیین ثابت و پابرجاست. پس در این ماه‌ها با جنگ و خونریزی بر خود ستم نکنید و جملگی با همه مشرکان بجنگید، آن گونه که آنان همگی با شما می‌جنگند. (توبه، ۳۶) (طباطبایی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۵۳)

مجاهدان و خانواده‌های‌شان، نیاز به عیادت، آموزش، استراحت و رسیدگی به خانواده دارند. بنابراین یک سوم سال، اجباراً باید جنگ خاموش شود تا فرصتی برای این امور باشد. «منها اربعة حرم» حتی در جنگ هم باید اصولی رعایت شود و به ناگاهانف اغفال شدگان، زنان، سالمندان و کودکان، تعرض نشود و بدون توجیه و تذکر قبلی، حمله نشود.

«وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ» و نیز (اشکالی نیست) بر آنان که چون نزد تو آمدند تا آنان را برای شرکت در جبهه بر مرکبی سوار کنی، گفتی: چیزی نمی‌یابم که شما را بر آن سوار کنم و آنان (از نزد تو) برگشتند، در حالی که چشمان‌شان از اندوه، اشکبار بود که چرا چیزی ندارند که خرج جها کنند. (آری، بر این گونه فقیران عاشق جهاد، برای نرفتن به جبهه گناهی نیست). (توبه، ۹۲)

تأمین امکانات جنگی رزمندگان، به عهده حکومت است. «أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ»

«وَوَيْسْتَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند (و) می‌گفتند: همانا خانه‌های ما بی‌حفاظ است. در حالی که بی‌حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند. (احزاب، ۱۳)

آرامش و امنیت فکری و خانوادگی برای رزمنده به قدری ضروری است که منافقان دغدغه آن را بهانه ترک جبهه خود قرار دادند. «إِنَّ بَيُّوتَنَا عَوْرَةٌ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۳۳۸)

۲.۳.۴. رعایت حقوق اسیران

در جوامع بشری اسیر کردن نیروی دشمن در میدان جنگ، کاری رایج بوده و هست. اسلام نیز برای جلوگیری از خونریزی بیشتر و نابودی انسان‌ها در جنگ، این کار را روا دانسته است؛ (انفال، ۶۷) زیرا اسلام که نطا دین دو دولت به شمار می‌آید، معقول نیست که مسلمان‌ها به میدان کارزار پای نهند و دچار زیان شوند و به اسیری روند اما بر آنها حرام باشد که دشمنان خویش را به اسارت گیرند. این نه با طبع سازگار است و نه عقل و منطق قرآن. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۲) از این رو جواز اسیر گرفتن در آیاتی تشریح شده است: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا»؛ شما مؤمنان چون (در میدان جنگ) با کافران رو به رو شوید باید (شجاعانه) آنها را گردن زنید تا آن گاه که از خونریزی بسیار دشمن را از پا در آوردید پس از آن، اسیران جنگ را محکم به بند کشید که بعداً یا بر آنها منت نهید (و آنها را آزاد گردانید) یا فدا گیرید تا در نتیجه جنگ سختیهای خود را فروگذارد. (محمد، ۴) و در آیه دیگری می‌فرماید: «فَاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم و خذوهم و احصوهم و اقعدهوا لهم كل مرصد فان تابوا واقاموا الصلوة و اتوا الزكوة فخلوا سبيلهم ان الله غفور رحيم؛ (اما) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید! هر گاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است!» (توبه، ۵) ولی پس از جنگ و حصول امنیت برای مسلمانان، با ایجاد زمینه‌های فرهنگی مناسب، اسیران را به پذیرش آگاهانه و اختیاری اسلام فرا می‌خواند یا آزادی آنان را به صورت مبادله با اسیران مسلمان یا در برابر فدیة یا با منت نهادن بدون عوض، روا می‌داند؛ (محمد، ۴) از این رو آزادی آنان را برای مسلمانان عبادت دانسته و برای آن پاداش مقرر کرده است. خدا در قرآن در وصف نیکوکاران (ابرار) می‌گوید: «و يطعمون الطعام على حبه مسكينا و يتيما و اسيرا»؛ و غذای مورد احتیاج را به جهت دوستی خدا، به مسکین و یتیم و اسیر عطا کردند. (انسان، ۸) امام صادق (ع) فرمود: غذا دادن به اسیر بر اسیر کننده‌ی وی واجب است و اگر قصد دارد فردا وی را بکشد، باز هم لازم است به او غذا و آب داده شود... (ثقه الاسلام کلینی، ۱۳۶۵، ص ۳۵) امام سجاد (ع) فرمود: هرگاه اسیری گرفته‌ای که از راه رفتن ناتوان است و برای حمل او نیز وسیله‌ای نداری، او را آزاد کن و او را نکش ... (همان، ص ۳۵) نبی اکرم (ص) فرمود: خدا با نیکی به اسیران، دشمنان را خوار می‌کند (جلال الدین سیوطی، ۱۴۰۱ ق، ص ۴۷۴).

مسأله مهمی که در مورد اسیران جنگی وجود دارد موضوع اصلاح و تربیت و هدایت آنان است، این موضوع در مکتب‌های مادی ممکن است مطرح نباشد، ولی در جهادی که برای آزادی و اصلاح انسان‌ها و تعمیم حق و عدالت صورت می‌گیرد، حتماً مطرح است.

۲.۳.۴. امان دادن به دشمنان

یکی از حقوقی که اسلام برای مبارزان در نبرد در نظر گرفته است، پذیرش درخواست امان و پناهندگی از سوی دشمنان است. به این معنا که هر یک از افرادی که در طرف مقابل جبهه اسلام وارد نبرد شده‌اند، اگر از رزمندگان مسلمان درخواست پناه و امان نماید، این درخواست باید از سوی مسلمانان مورد پذیرش قرار گیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» و اگر یکی از مشرکان از تو امان و پناه خواست، پس به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان. چرا که آنان گروهی ناآگاهند (و با شنیدن آیات الهی، شاید هدایت شوند). (توبه، ۶)

لازم است به درخواست پناهندگی دشمن برای تحقیق و شناخت عقاید و افکار اسلامی، پاسخ مثبت داد. «سْتَجَارَكَ فَأَجْرُهُ» راه فکر و تعقل، حتی برای مشرکان مهذورالدم نیز باز است و برای احتمال هدایت یک مسأله حتی در شرایط جنگی نیز وجود دارد. «سْتَجَارَكَ فَأَجْرُهُ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۸۰)

۴.۳.۴. رعایت عدالت در مورد دشمنان

زیبنده است که رفتار مسلمان با دشمنش عادلانه باشد و از بی‌عدالتی بپرهیزد. قرآن در این باره می‌فرماید: «و مبادا دشمنی شما با قومی و ادارتان کند که به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.» (مائده، ۸) امیرمؤمنان (ع) به امام حسن (ع) می‌فرماید: تو را به تقوای الهی در حال توانگری و تهی‌دستی و ... و به دادگری درباره دوست و دشمن سفارش می‌کنم. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۸) امام صادق (ع) در وصف مؤمن فرمود: به دشمنانش ظلم نمی‌کند. (ثقه الاسلام کلینی، ۱۳۶۵، ص ۴۷) شایسته است مسلمان با دشمن خود، رفتاری منصفانه داشته باشد؛ امیرمؤمنان (ع) در سفارشی به فرزندش محمد حنفیه فرمود: برای دوست خود جان و مال خود را ... و برای مردم خوش‌رویی و دوستی و برای دشمن عدل و انصاف را به کار گیر. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱۴۷)

شایسته نیست که مؤمن، حقوق دشمن خود را نادیده بگیرد که این خود ظلم است و مؤمن از ظلم پرهیز می‌کند: «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید ولی از حد تجاوز نکنید، که خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد. (بقره، ۱۹۰) چنانکه از این آیه بر می‌آید، بی‌عدالتی و تجاوز از حد، حرام است حتی نسبت به دشمنان: «شَنَّانُ قَوْمٍ ... أَنْ تَعْتَدُوا». علاوه بر این، مطابق این آیه، بر جنگ هم باید قانون و اخلاق حاکم باشد: «بِمِثْلِ مَا عَوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ...».

۴.۳.۵. پی‌جویی صلح

اسلام دین صلح است و در حدود ۱۰۰ آیه از قرآن کریم، مسلمانان به صلح دعوت شده‌اند. صلح و سازش به عنوان قانون کلی و عمومی و همگانی مورد پذیرش از سوی قرآن است و نزاع برخلاف طبع سلیم انسانی و زندگی آرام‌بخش اوست و جز در موارد ضروری نباید به آن متوسل شد. (بسته نگار، ۱۳۸۵، ۶۶۵)

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أَدْخِلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآید! (بقره، ۲۰۸) و نیز در آیات دیگر می‌فرماید: «فَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی. (انفال، ۶۱) «فَإِنْ اعْتَزَلُواكُمْ فَلَمْ يِقَاتِلُواكُمْ وَ الْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»، پس اگر از شما کناره گرفتند، و با شما به جنگ برخاستند، و پیشنهاد صلح و آشتی دادند، [به آنان تعدی نکنید که] خدا در این صورت برای تجاوز به آنان راهی برای شما قرار نداده است. (نساء، ۹۰)

در سنت معصومان (ع) دعوت به صلح دیده می‌شود. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: «ای مردم، آرزوی روبرو شدن مکنید؛ از خدا عافیت بطلبید.» (الزحیلی، ۱۹۹۲، ص ۱۳۴) همچنین در عهدنامه جاویدان امام علی (ع) به مالک اشتر آمده است: «صلحی را که رضایت الهی در آن است و دشمن به آن دعوت کرده، رد مکن.»

به عنوان جمع‌بندی این بخش باید گفت حقوق اسلام صلح را به منزله وضعیتی تلقی می‌کند که تمامی تلاش‌ها باید معطوف به آن باشد. هرگونه رویه معارض باید به عنوان رویه استثنایی شناخته شود و این جزو حقوقی است که برای همه شهروندان جامعه اسلامی در نظر گرفته شده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این تحقیق درباره حقوق شهروندی حاکم بر جنگ از دیدگاه قرآن کریم بیان شد و نمونه‌هایی که در این زمینه ارائه گردید، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

حق در قرآن در معانی متعددی به کار رفته است و یکی از آنها که با معنای به کار رفته در فقه و حقوق هم مطابقت دارد، «قدرت و اعتباری قراردادی است که برای افراد وجود دارد.» حق در آیات ۱۹ ذاریات، ۲۵ معارج، ۲۸۲ بقره به این معنا است.

۱- قرآن کریم در آیات متعددی به رعایت حقوق شهروندی اشاره و توصیه نموده است. تأمین امنیت، رعایت عدالت، برخورداری از محیطی آمیخته با صلح و توجه به منزلت و کرامت انسان‌ها از جمله این موارد است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

۲- حقوق شهروندی حاکم بر جنگ بر اساس نوع نگرش اسلام به جنگ و جهاد تعریف می‌شود. در فرهنگ اسلامی، جهاد یا در قالب جهاد ابتدایی و در جهت گسترش اندیشه توحید صورت می‌گیرد و یا در قالب جهاد دفاعی برای رفع ظلم از خود یا دیگر مستضعفان. و در هر صورت، هدف از جهاد در اسلام، دفاع از دین خدا و رفع ظلم است.

۳- تجلیل از مجاهدان و رزمندگان و تأمین امکانات جنگی برای آنان و رسیدگی به نیازهای شخصی و خانوادگی آنان، امان دادن به دشمنانی که در میدان نبرد تقاضای پناهندگی نمایند، رعایت عدالت در برخورد با دشمنان و پرهیز از تعدی از حدود خدا و ستم بر آنها، رعایت اخلاق و برابری با اسیران و تأمین نیازهای آنان و فراهم کردن زمینه مناسب برای شنیدن کلام حق توسط آنان و هدایت شدن اسیران، و بالأخره پی‌جویی صلح در همه حال و پذیرش آن در صورتی که دعوت به آن از سوی دشمن صورت گیرد، از مهمترین حقوقی است که قرآن کریم در مورد جنگ و جهاد برای رزمندگان و نبردکنندگان مقرر داشته است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد الهی قمشه‌ای.
 نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی
 ابن تراب، مریم، ۱۳۸۵، حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی (ع)، فصلنامه ندای صادق، س ۱۱، ش ۴۱ و ۴۲.
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
 ابن منظور، ۱۴۱۶، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 آفنداک، خلیل، ۱۳۸۵، حقوق شهروندی و قضایی، مجموعه مقالات حقوق شهروندی.
 آل بحر العلوم، محمد، ۱۳۸۸، ق، بلغة الفقیه، بی‌جا: مطبعه الآداب.
 بسته نگار، محمد، ۱۳۸۵، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار
 پروین، فرهاد، ۱۳۸۷، حقوق شهروندی در سیره نبوی و در حقوق ایران، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۷۲.
 ثقه الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب رازی، ۱۳۶۵، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، ۱۴۰۱، ق، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت: دارالفکر.
 جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسرا.
 حسینی، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، جهاد و حقوق بین‌الملل، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 داعی نژاد، سید محمد علی، ۱۳۸۹، ایمان و آزادی در قرآن، تهران: انتشارات کانون اندیشه
 دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۹، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ر.م. مک آیور، ۱۳۴۹، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 رضایی‌پور، آرزو، ۱۳۸۹، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آریان.
 زحیلی، وهبه، آثار الحرب فی فقه الاسلامی، ۱۹۹۲، دمشق، دار الفکر
 سبحانی، جعفر، بی‌تا، منشور جاوید، ج ۱ و ۲ و ۳، قم: انتشارات توحید
 شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی، ۱۴۰۳، ق، الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 طباطبایی، سید محمد حسین، بی‌تا، تفسیر المیزان، ج ۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 طریحی، فخرالدین محمد، ۱۳۶۸، مجمع‌البحرین، ج ۳، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
 طریحی، فخرالدین، ۱۰۸۵، مجمع‌البحرین، تهران، المكتبة المرتضویه.
 عالی‌خانی، محمد، ۱۳۷۵، حقوق اساسی، تهران: دستان.
 عبد الرحمن بن خلدون، ۱۳۶۲، مقدمه، جلد اول، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
 فاضل مقداد، ۱۴۱۹، کنز العرفان فی فقه القرآن، جلد ۲، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
 قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، جلد ۳ و ۷، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
 کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵، مقدمه علم حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 لامعی، صمد، ۱۳۹۳، جزوه حقوق شهروندی، مرکز آموزش علمی - کاربردی سازمان زندان‌ها
 مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۸۰، مقاله جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵
 نجفی خوانساری، موسی، ۱۳۷۳، ق، منیة الطالب فی حاشیه مکاسب، تهران: مطبعه حیدری.
 نوری، صالح و بخشی، سمیه، ۱۳۹۴، حقوق شهروندی سالمندان، در مجموعه مقالات همایش ملی حقوق شهروندی، ارومیه، جهاد
 دانشگاهی، جلد اول.
 نوری، صالح، ۱۳۸۵، بررسی مبانی فقی و حقوقی رابطه دولت اسلامی در عرصه سیاست با دول غیر اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد
 فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم
 هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶، فرهنگ فقه؛ مطابق مذهب اهل بیت، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.